

راه آزادی - پس در حقیقت شما موضع نهضت مقاومت ملی ایران را در باره شکل اشی حکومت قبول دارید ؟

ش . بختیار: بله کاملاً قبول دارم .

راه آزادی: اما در گذشته همیشه اینطوری نبوده است . مثلاً شما یا امینی در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۶۲ بیان نامه معروفی را امضاء کردید که در آن ضمن پذیرش قانون اساسی ۱۹۰۶ ایران، رژیم سلطنت مشروطه را با تاکید بر اصل غیر قابل انکار حاکمیت ملی و تبعیت از آرای مردم ، مورد تأیید قرار دادید . آیا این در تناقض با گفته های شما نیست ؟

ش . بختیار : من در آنجا گفتم رأی مردم هرچه باشد من تابع آن هستم .

راه آزادی : ولی شما هم زمان رژیم سلطنت مشروطه را پذیرفته اید . چیزی که مغایر با منشور نهضت هم هست ؟

ش . بختیار: من پیش از اینهم گفتم، من در آن شرایط تشخیص نادم، بین این رژیم و رژیم ضمیمی، اگر قرار باشد به یازده سال پیش برگردیم، من حتی نخست وزیری مانند فروغی را ترجیح می دادم . در مورد جمهوری هم، البته شما حق دارید برای آن تبلیغ کنید . ولی من پیشنهاد اینست که ملت ایران برای مبارزه هر قدر بیشتر دورهم جمع شوند | بهتر است . بهترین راه اینست که مسئله شکل نظام را کنار بگذاریم و به ملت ایران راگذار کنیم . اجازه بدهیم نه دکتور بختیار قیم مردم ایران باشند، نه جناب عالی و نه کس دیگر |

قانون اساسی ۱۹۰۶

راه آزادی : گذشته از مسئله شکل نظام چرا شما از قانون اساسی مشروطه دفاع می کنید و روی آن تاکید دارید .

ش . بختیار : سؤال خوبیست ، دولت موقت تا تصویب قانون اساسی جدید باید بر مبنای قانونی و حقوقی مشخصی استوار باشد . مثل جمهوری پنجم از سوی دولت . با اینکه می گوئیم آقا جمهوری که هست و قوانینی که مخالفش هستیم عوض می کنیم ، من معتقدم قانون ۱۹۰۶ که در زمان مظفرفاندین شاه نوشته شده، يك قانون اساسی بسیار مترقی است . در خاور میانه ببینید از ترکیه بگیریید، افغانستان بگیریید، تزار را بگیریید، باید انصاف داد کماتنی که در آن شرایط این کار را کردند، با فداکاری و روشن بینی کردند . البته هر قانون اساسی کم و بیش نقص دارد و می شود آنرا اصلاح کرد . در کشورهای دیگر هم همین طور بوده است . مثلاً در آلمان قانون اساسی بیسمارک بود . بعد قانون اساسی جمهوری وایمار در ۱۹۱۹ جانشین آن شد . سپس قانون رایش هیتلری بود . بعد از جنگ

جهانی دوم قانون اساسی جدیدی تصویب شد . در قانون اساسی مشروطه هم نقص است ، مثلاً آن لقب مانند « موهبتی الهی » که به وسیله ملت به شاه داده می شود . اینها تعارف برای مظفرفاندین شاه هستند . ولی وقتی اصل ۴۶ قانون اساسی می گوید که تمام قوا ناشی از ملت است، این آب پاکی به روی دست همه می ریزد . عیب بزرگتر قانون اساسی مسئله همان « آخوندی است که تقریباً شبیه ولایت فقیه است، هرچند در عمل هیچ وقت رعایت نشد . به هرحال در آینده اگر مجلس مؤسسان خواست قانون جدیدی وضع کند، می توان همه مواد کهنه شده و نادرست قانون گذشت را کنار گذاشت و آن را مطابق نیاز روز در آورد . قانون اساسی مشروطه به نظر من به مراتب بهتر از قانون اساسی جمهوری اسلامی است . هرچند همان موادم را هم آخرند ها اجرا نمی کنند . اگر شاه و یا پدرش به ویژه در ۲۵ سال آخر تا این حد قانون اساسی را زیر پا نگذاشته بودند، خیلی چیزها عوض می شد . من در تهران دو برابر ۱۵۰ مخبر داخلی و خارجی گفتم این قانون اساسی را همانگونه که هست قبول می کنم منهای آنچه را که محمد رضا شاه به آن اضافه کرده است . به هرحال این قانونی است که می توان آن را مدرنیزه کرد . این قانون در زمان خودش بسیار خوب بوده است . می شود بهترش کرد و در آن مصاحبه هم گفتم، این قانون آن چنان است که می توانیم همین فردا هم اگر ملت ایران بخواهد جمهوری اعلام کنیم . البته اگر موادی که محمد رضا شاه به آن اضافه کرده است برداریم . وقتی در قانون اساسی تاکید شده است که تمام قوا ناشی از ملت است، همانگونه که سلطنت از قاجاریه به پهلوی منتقل شد، می توان گفت حالا که ملت چنین اراده ای داشته که سلطنت را از کسی بگیرد و به کس دیگر بدهد همان اراده می تواند سلطنت را به جمهوری تبدیل کند .

راه آزادی : البته موضوع به این سانگی ها نیست . این قانون در موارد متعدد اشاره به شاه و سلطنت دارد . فصل ۱۰ ، فصل ۱۰ ، فصل ۱۱ ، فصل ۱۱ : در حقیقت نمایندگان

باید به « اعلیحضرت شاهنشاه محبوب عادل » است که سوگند بخورند و به اساس سلطنت نباید خیانت کنند . فصل ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ و فصول ۴۳ تا ۵۱ تماماً مربوط به مجلس سناسد که در حقیقت در آنجا شاه يك نقش ویژه ای بر عهده دارد . بعد در متمم قانون اساسی در اصل ۲۷ مسئله شاه مطرح است . بعد اصول ۲۵ تا ۵۷ مربوط به حقوق سلطنت است . وقتی صحبت از قانون اساسی می کنید ، یا باید این قانون را با همه ماده هایش در نظر بگیرید و یا اگر این ماده ها را بردارید قانون اساسی می شود بی یال و دم و اشکم .

ش . بختیار : من تمسبی ندارم .

راه آزادی : این را هم باید توجه داشت باشید که از سوی محمد رضا شاه حد اقل سه بار به قانون اساسی تجاوز شده است و هر بار بعد از هجوم به آزادیخواهان و سرکوب جنبش اعتراضی مردم ، یکبار در سال ۱۳۲۸، بار دیگر در سال ۱۳۳۶ و يك بار هم در سال ۱۳۴۶ . اضافه بر همه این نقایص، همانطور که خودتان اشاره کردید، اصل ۲ متمم قانون اساسی است و مسئله حق وتوی « روحانی است که در حقیقت شورای نگهبان کنونی چیزی جز احیای عریض و طویل اصل ۲ متمم قانون اساسی گذشته نیست و شما که از اصل لائیسیته دفاع می کنید، چگونه طرفدار قانونی هستید که يك پایه اش نفی لائیسیته است . پای دیگرش در واقع نظام سلطنتی است ؟ آیا دفاع از این قانون اساسی به نوعی دو باره وارد کردن سلطنت نیست ؟

ش . بختیار: نه ! عرض کردم اگر ملت بخواهد .

راه آزادی : فکر نمی کنید اساساً مسئله قانون اساسی ۱۹۰۶ کنار گذاشته شود . منتها کاره دولت موقت بر اساس قوانین مدنی موجود به اضافه مقرراتی که می توان برای این دوره کوتاه تدوین کرد قرار گیرد .

ش . بختیار : نمی دانم چیزی که من در باره دولت موقت نوشته ام خوانده اید یا خیر . در این نوشته که البته صحبت از جمهوری و مشروطه در میان نیست پیشنهاد کرده ام که گروهی بیایند و مقرراتی تدوین کنند و البته از قانون اساسی هم الهام بگیرند .

راه آزادی : البته این مسئله ای نیست . می شود از همه قوانین، حتی از قانون اساسی جمهوری اسلامی هم نکات مثبت آنرا حفظ کرد . این قانون اساسی موقت برای دوران گذار خواهد بود . این بر عهده نمایندگان مردم است که قانون اساسی آینده را در کنار شکل نظام تعیین کنند .

ش . بختیار : من هیچ اشکالی در این موضوع نمی بینم . تمسبی هم البته نمی توان داشت . (ناتمام)

زین روزگار فواید از آمریکا در نتیجه شما دربار ایران از روزنامه نوری در تهران مطبوع مربوط به همکاری و غیر مقاله دیگر پس سرباز من گفته شد که نیست ما رسید از همکاری شما با شوریه بسیار بسیار داریم باز هم برای این مطلب ارسال کنید دوست عزیز ما با یک از ترکیه نامه شما رسید از توجه شما به نویسه مشکو می کنیم